انشائات طولی و رجوع به انشاء فوقانی طولی در شبانه‌روز غیر متعارف

(42:19)

استاد: الآن در این ماهواره هایی برویدکه مرتب دور کره زمین میگردند، تقویم را چطور ترسیم میکنند؟ جایی که ساکن نیستند و مرتب دارند میگردند. ایشان گفتند ساعت، حال چشم ها را ببندید و ندانید کجا هستید، نمیدانید روز است یا شب است، ولی ساعت را دارید. فقط چشمتان را باز کرده‌اند و ساعت را میبینید. این ساعت هم ساعت جهانی است. شما مشکلی ندارید. ساعت شما دارد میگوید ازده صبح یک شنبه است. تحویل سال قبل از ازده بود، امروز هم اول فروردین میشود. برچسب جدید میآید.

شاگرد: امروز یعنی چه؟

استاد: یعنی ساعت ازده این ساعتی که میبینید.

شاگرد۲: یعنی ازده ساعت قبل، لحظه اول امروز بوده است. حال هر وقتی باشد.

استاد: الآن که این ماهواره‌ها میروند، امروز کدام امروز است؟ امروز در ساعت گرینویچ جهانی، یک شنبه کل دنیا. چون یک شنبه کل دنیا، در ساعت ازده تحویل سال شده، او میگوید یک شنبه اول فروردین است. ساعتش را هم در همان سفینه تنظیم میکند و میگوید امروز اول فروردین است. میگویید کجا را میگوید؟! کجا را کاری ندارد. او دارد دور میزند. او که الآن شب و روز ندارد. من میخواهم افحشیت و نوعیت را بگویم. اشکال از کجا شروع شد؟ گفتند این افحش از این است.

شاگرد: اگر فرض بگیریم یک شنبه روز اول ماه رمضان است، با هر مبنایی، ما هم فرض گرفتیم نصف النهار مکه است، اشکال این است که ما میگوییم یک شنبه عید است، به هر کجای کره زمین بگوییم یک شنبه عید است میفهمند به چه معنا است. دیگر کاری به ساعت جهانی نداریم. آقایی که آن طرف کره زمین است هم میگوید اگر یک شنبه من هم بشود روز اول ماه است و باید روزه بگیرم. آن طرف هم میگوید یک شنبه خودم را باید روزه بگیرم. یعنی یک معیاری داریم که وقتی به هر کسی که در هر کجای کره زمین ساکن است، میگوییم تو یک شنبه خودت را روزه بگیر. حال یک شنبه تو هر موقع شروع بشود. این آقا اشکال میگیرد و میگوید یک شنبه اینها الآن شروع میشود، پنج کیلومتر دست راستش، بیست و چهار ساعت بعد یک شنبه شان شروع میشود. لذا ایشان میگوید: درست است ما یک معیار دادیم که یک شنبه روز اول ماه مبارک است ولی این معیاری که دادیم اگر در منطقه تطبیق پیدا کند، دچار ایراد افحش میشود. معیار منظم است که یک شنبه روز اول ماه است، همه جا هم میدانند امروز یک شنبه ما است، اما وقتی با منطقه چپ و راستشان میسنجند، دچار اشکال میشوند. عرض من این است که توضیح حاج آقا این ایراد را جواب نمیدهد.

شاگرد۲: بالأخره در این میقاتیتی که میفرمایید باید یک مسامحهای قائل شویم. یعنی با نوعیت خیلی فرق نمیکند.

استاد: بله، اگر بر اقل اقتصار کنیم، همینطور است. مثلاً منطقی که در وسط اقیانوس است، منطقی میشوند که تقویمشان و روز و شبشان مختلف است که محل ابتلاء نمیشود. ولی با این شخصیت، تقریباً روز کل امت یکی میشود. بعضی از مناطق هست که ناچار هستیم. خدمت یکی از آقایان هم عرض کردم به دنبالش بروم و ببینم کجاها هست که این محل ابتلاء، شدید میشود.

الآن هم این ساعتهای دوگانه که برای ما نیست. یعنی اگر به هتل هایی بروم که مسافران خارجی زیاد دارند، دو ساعت میزنند. مثلاً اگر ساعت نه و نیم صبح است، دیگری ساعت شش است. ولی تقویم هر دو یکی است. تا دوازده شب میرود، به محض اینکه ساعت هتل [ساعت] یک ِشب شد، میگویی یک ِشب دوشنبه ولی آن ساعت هنوز یک شنبه است. خُب اگر یک دفعه ساعتهای محلی را برداریم، مثلاً به سفینهها برویم ای چشم ها را ببندند، در یک فضایی باشیم که فقط میخواهند ماه مبارک را برای کره منظم کنیم، نمیگوییم تو الآن اینجا هستی و روزه بگیر. الآن کسانی که در سفینه هستند، استفتاء میکنند که میخواهند ماه مبارک را روزه بگیرد، چه کار کنند؟ چه زمانی شروع به روزه گرفتن کند؟ شما جواب بدهید. با این فرضی که عرض کردم شما میتوانید جواب بدهید. خیلی روشن؛ نقاطی که در قوس ماه جلو میرود را تعیین میکنید؛ بهعنوان خط طلوع فجر روز اول ماه مبارک تعیین میکنید. جلوتر دو مبانء را عرض کردم. طبق همین مبانی مشهور میگویید لحظه طلوع فجر روز اول ماه مبارک این است. شما هم بیرون هستید، روزه ماه مبارک بگیر. آن جا روزه ماه مبارک بگیر. چرا؟ بهخاطر اینکه نسبت به دحو الارض برای کره لحظه شروع طلوع فجر اول ماه مبارک، این لحظه است. شما هم باید روزه بگیرید. ولو در آسمان هستید و دارید دور میزنید.

شاگرد: ولو در شب است.

استاد: نه، وقتی در آسمان است که معلوم نیست کجا است.

شاگرد: ممکن است جایی قرار بگیرد که تاریک است.

استاد: اصلاً سفینه هایی که سرعتشان خیلی زیاد است که خیلی زود دور میزنند. اصلاً مجال نمیدهد که شب بشود و روز بشود. روزی چندبار دور میزنند. اینها فروع فقهی محل ابتلای امروز است و باید جواب بدهیم. روی این مبانء ببینید چه جواب خوبی پیدا میکنند. ما میگوییم وقتی هلال هلال شد، یا قبل از زوال دحو الارض یا وقت غروب دحو الارض، ما همان قول مشهور را هم بگیریم، هیچ مشکلی ندارید. خلاصه دارید برچسب میزنید. میگوییم قمر که از مقارنه در شد، این لحظه که رسید، لحظه طلوع فجر روز اول ماه مبارک است. خُب روزه بگیر. تو در سفینه هستی، روزه بگیر. دور میزنی، خُب بزن. چرا؟ چون علم داری که الآن ماه مبارک است. علمائی بودند که میگفتند ادله ایجاب از آنها منصرف است. آیا ارتکازاً کسی که در سفینه است و ماه مبارک شده، روزه ندارد؟! یعنی مسافر است؟! فرض گرفتیم مثلاً کثیر السفر است. چون در سفینه رفتی دیگر اصلاً مورد خطاب شارع نیستی؟! «مَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهرَ فَلْيَصُمْ»[1]؛ یعنی «مَن شهد منکم الشهر» در بالایی که روز و شب دارید؟! اگر این است، منصرف است. این یک جور جواب است.

شاگرد: نماز هم بر میدارند؟!

استاد: برای نماز ظهر هم همین جور است. مثلاً در قطب، شش ماه روز است. میگوییدی عند الزوال نماز بخوانید. خطاب ندارد! چون زوال ندارد. یک قول هم هست. حالا عدهای دیگر طبق روایتی که در

کتب شیعه نیست، می‌گویند حضرت فرمودند «قدّروا»؛ حضرت فرمودند زمانی‌که خورشید به این صورت شد، اندازه‌گیری کنید.

شاگرد۲: رواست، خورس هم دارد.

استاد: بله، حالا باید ببینیم در قطب خورس ها چطور می‌خوانند! وقت زوال را چطور حساب می‌کنند!

شاگرد: زندگی در کارت دیگر هم به این صورت است. مثلاً در مریخ زندگی کنند.

استاد: بله، یعنی اگر در کره مریخ هم باشند، زمان ِشهر مبارک به‌عنوان یک قطعه زمانی در کل بستر عالم ناسوت معیّن است. معین کننده آن در عالم ناسوت همین گردش ماه است. وقتی این زمان را معین می‌کند، آن جا هم می‌توانند روزه بگیرند. با این بیان که در لحظه طلوع فجر اول تا آخر روزه بگیرند. لیلة القدر هم معلوم می‌شود.

شاگرد: البته درصورتی‌که «شهد» صدق بکند. «شهد منکم الشهر» در سفینه صدق می‌کند چون هنوز در حول قمر هست. ولی اگر در کر دیگری باشد که از این اقمار خبری نباشد، معلوم نیست.

شاگرد۲: اگر برای خودشان اهلال هلال داشته باشند.

استاد: مریخ هلال ندارد. ولی مشتری شش قمر دارد! آن بحث‌های خاص خودش را دارد.

شاگرد: لازمه این بیان شما این نیست که شب جمعه نوعی بشود؟

استاد: با این بیان نه. ما آلآن تلاش کردیم که شب جمعه نوعی نشود. چون می‌گوییم دحو الارض میزان است، کره یک شب جمعه دارد که لحظه شروع آن معلوم است، ولو همه جا بیست و چهار ساعت باشند. لحظه شروع و پایان شب جمعه معلوم است.

شاگرد: مثلاً در ساعت نه و پنجاه و نه دقیقه ژاپن که جمعه است، یک دفعه اعلام کنند شنبه است! در ژاپن می‌گویند شب جمعه من خراب شد! نمی‌توانم دعای کمیل بخوانم. چون آلآن شنبه شد!

استاد: شما دوباره بین محلی و جهانی تلفیق می‌کنید.

شاگرد: قرار شد روز بند به ساعت باشد. ساعت هم بند به نصف النهار دحو الارض شد.

استاد: ما شبانه‌روز را با ساعت‌های محلی، مفصّل داریم. اگر بخواهیم شبانه‌روز را واحد کنیم، ناچار از یک نصف النهار هستیم. آن یک نصف النهار وقتی ساعت واحد به دست ما داد، روز یک شنب واحد هم به شما می‌دهد. وقتی روز یک شنبه داد، پنج شنبه و شبش هم معلوم است. وقتی پنج شنبه را داد، به دنبالش اول ماه و اول برج هم هست. اینها مترتب بر هم هستند. شما با تعیین اینها به آن یک شخص می‌رسید. اگر شما به سفینه برود می‌بینید. کسی که در سفینه هست، شب جمعه اش خراب می‌شود یا نمی‌شود؟ وقت محلی را حذف کنید آلآن شما در سفینه دارید دور می‌زنید. شب جمعه می‌خواهید دعای کمیل بخوانید، به چه صورت می‌خوانید؟

شاگرد: شب که ندارد.

شاگرد۲: مگر جمعه دارد؟

استاد: اگر کل را در نظر گرفتی چرا شب ندارد؟! کل کره شب دارد، یک نصف النهار واحد را فرض گرفتی... .

شاگرد۲: آن سفینه یک ربع در روز است و یک ربع در شب است، مدام برای او می‌چرخد.

استاد: او ندارد، ولی آن نصف النهار مبدأ برای کل کره، ما شب داریم. که آن شب جمعه کره است. اگر در آن مقدار زمانی کاری را انجام بدهد، در شب جمعه کره که خداوند متعال آثار شب جمعه را برای کل زمین نازل می‌فرماید، هست.

شاگرد۲: هرچند در ژاپن روز باشد و آفتاب وسط آسمان باشد؟

استاد: بله.

شاگرد۲: خُب این ارتکازا خراب است.

استاد: ارتکازا زمانی خراب است که با ساعت محلی تلفیقش می‌کنید.

شاگرد۲: یعنی در ساعت دوازده ژاپن در وقت زوال باید دعای کمیل بخوانم؟!

استاد: این که می فرمایی ظرافتش از بین می رود، شما جایی را فرض بگیری؛ در کتب فقهی هم هست. جایی هست که اصلاً نمی‌دانی روز است یا شب است. در زندان تاریک هستید. اگر این برنامه‌ای که عرض می‌کنم را توجه کنید، کاری ندارید که کجای زمین هستید. کسی را گرفته‌اند و چشمش را بسته‌اند، به نقطه‌ای از زندان رفته و خودش هم نمی‌داند کجا است، می‌گوید کره زمین شب جمعه دارد، الآن شب جمعه کره‌ای است که خدای متعال و اولیاء خدا گفته‌اند ملائکه نازل می شوند. لذا شروع به خواندن دعای کمیل می‌کند. ولی چون شما با شب و روز مانوس هستید، می‌گویید: خورشید وسط آسمان است، من بگویم شب جمعه است؟! الآن دعای کمیل بخوانم؟!

شاگرد۲: شما می‌فرمایی بخوانید.

استاد: من اینطور که شما می‌گویید نمی‌گویم بخوانید. و لذا خدمت شما گفتم وقتی بین ادله اثباتیه تعارض شد، انشائات طولی را گفتم. اما وقتی دست ما از انشاء طولی سرباز شده بر قبلی کوتاه شد، آن انشاء طولی قبلی حیات پیدا می‌کند. یعنی الآن وقتی به جایی رفت که چشمش را بستند و نمی‌داند کجای کره زمین است، او قصد ورود هم می‌کند بر خواندن دعای شب جمعه. چون اگر اهل هیئت باشد از خارج می‌داند.

---

[1] البقره ۱۸۵

تیتر و عنوان برگه(**انشائات طولی و رجوع به انشاء فوقانی طولی در شبانه‌روز غیر متعارف**) : فوقانی[d1]

[d1]?????? ????? " ??????" ???? ???

به روزرسانی شده 24 ژانویه 2026 15:04:32 توسط ... .